

به نام حضرت حق

دیدگاه امام علی(ع) درباره عدالت در حکومت اسلامی

عدالت در لغت به معنای برابر سازی و توازن است و در مفهوم اجتماعی، هرگاه حق هر صاحب حقی به او داده شود می گویند عدالت رعایت شده است. بنابراین عدالت اقتصادی- که یکی از مظاهر عدالت اجتماعی است- به معنای رعایت اسحقاق ها و دادن حقوق اقتصادی افراد است.

تعریف مذکور از عدالت اقتصادی ما را به این نکته رهنمون می سازد که برابری در حقوق و امکانات و برقراری تعادل در جامعه، همیشه همراه با عدالت نیست و هر گونه برابری و تعادل بدون رعایت حقوق صاحبان حق، نوعی بی عدالتی به حساب می آید. بنابراین عدالت اقتصادی چیزی غیر از تعادل اقتصادی است و دلیل ناکام ماندن بسیاری از تئوری های اقتصادی در جهت تامین عدالت اقتصادی، برابر دانستن مفهوم عدالت و تعادل بوده است. در صورتی که بسیاری از تعادل های اقتصادی موجب بروز شکاف طبقاتی و محروم شدن عده ای از حقوق خودشان گردیده است. برای نمونه تاکید اقتصاددانان بر تعادل عرضه و تقاضا و مکانیزم بازار را می توان مطرح کرد: اگر دخالت دولت و حامیان اجرای عدالت نباشد مکانیزم های موجود، تعادل در عرضه و تقاضا را بوجود می آورند، ولی این تعادل به بهای خارج شدن عرضه کنندگانی است که یارای رقابت با غول های اقتصادی را ندارند یا موجب خارج ساختن نیازمندی است که از صف متقاضیان به دلیل فقر و محرومیت بازمانده اند و این امر باعث عمیق تر شدن شکاف طبقاتی و خدشه دار شدن ریشه های عدالت در جامعه می گردد.

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات پیشوایان دینی که بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تاکید دارند، به عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اصول اقتصاد اسلامی می نگرد و از آن جا که هدف از بعثت انبیا تحقق عدالت اجتماعی است، بر عدالت خواهی در همه ابعاد اجتماع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می نماید. به عنوان مثال قرآن کریم فلسفه تشکیل حکومت ها و بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل و حل اختلافات گوناگون بین مردم دانسته است (سوره بقره آیه ۱۳ و حدید، آیه ۲۵).

سایر مکاتب اقتصادی نیز هدف حقوقی جامعه را تامین مصالح اجتماعی دانسته اند، با این تفاوت که مکتب اسلام علاوه بر تکاپو و تلاش برای تامین مصالح اجتماعی، هدف نهایی جامعه را تکامل معنوی انسان ها و تقرب به درگاه الهی می داند، در صورتی که مکاتب غیر الهی به دلیل اعتقاد نداشتن به جهان آخرت و اکتفا به برنامه ریزی برای زندگی کوتاه دنیوی، تامین مصالح اجتماعی را هدف نهایی می دانند. از این جا می توان به رابطه تنگاتنگ حقوق و اخلاق در مکتب اسلام پی برد، زیرا نظام حقوقی اسلام زیر مجموعه نظام اخلاقی است و رعایت کامل احکام و قواعد حقوقی در صورتی که با نیت خالص و به قصد نیل به کمال و سعادت یعنی تقرب به خدا انجام پذیرد، نوعی اطاعت از تکالیف اخلاقی محسوب می گردد. این رابطه موجب معیار قرار گرفتن عدالت و جلوگیری از هر گونه ظلم و اجحاف در فقه اسلامی شده است و همه احکام و قواعد فقهی با توجه به این اصل تنظیم گردیده اند، قواعدی چون لا ضرر یا احکام مالکیت عوامل تولید و توزیع و... همه بر محور عدالت و رعایت اسنحقاق ها می باشند.

امام علی (ع) یک شخصیت ولایی بود که در حدود ۴ سال و ۹ ماه در یکی از پهناورترین ممالک جهان حکومت کرد. وی نظرات مختلفی در زمینه مسائل دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد که به عنوان یک حجت برای رفتار مسلمانان و پیروان آن حضرت تلقی می گردد. مهمترین کتاب و سند معتبر از اندیشه های امام علی (ع) نهج البلاغه است که شامل خطبه ها، نامه ها و سخنان قصار آن حضرت می باشد که در سال ۴۰۰ هجری توسط شریف رضی گردآوری شده است. در این مقاله دیدگاه های امام علی (ع) درباره معنی و مفهوم عدالت، عدالت اقتصادی و راهکار های نائل شدن به آن در یک حکومت اسلامی مورد مطالعه قرار می گیرد.

معنی و مفهوم عدالت از دیدگاه امام علی (ع)

از دیدگاه امام علی (ع)، عدل و عدالت دارای چندی معنی و مفهوم است:

۱- یکی از معانی عدل و عدالت از دیدگاه امام علی (ع)، " محق بودن هر فرد نسبت به حقی که به طور

مشروع دارد، می باشد."

امام علی (ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه ای عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می داند و در این رابطه می فرماید:

[خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق او را بازستانم.] (خطبه ۳۷، نهج البلاغه، ص ۹۱).

[مرد را سرزنش نکنند که چرا حق اش را با تأخیر می گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حق اش نیست بگیرد.] (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۶، ص ۶۶۷).

[هیچ عدلی سودمندتر از بازگردانن مظلومه و ادای دیون نمی باشد.] (غرر الحکم^۱، ص ۱۸۷).

۲- معنی و مفهوم دیگر عدل از دیدگاه امام علی (ع)، "انصاف" است. انصاف به معنی رفتار درستکارانه و سازگار با اصول عدالت (فرهنگ معاصر، ص ۱۵۳).

علی (ع) در این باره می فرماید:

[خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد. عدل، مراعات انصاف است و احسان همان بخشش و تفضل می باشد.] (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱، ص ۶۷۹).

از امام علی (ع) پرسیدند که عدل برتر است یا بخشش؟
آن حضرت فرمود:

[عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد در حالیکه بخشش آن را از جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالیکه بخشش گروه خاصی را شامل است. پس عدالت شریف و برتر است.] (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ص ۷۳۵).

- امام علی (ع) می فرماید: [به درستی که عدل و دادگری آن است که به هنگام حکم دادن با انصاف باشی و از ظلم دوری نمایی.] (غرر الحکم، ص ۲۲۰).

از سخنان و کلمات قصار امام علی (ع) چنین استنباط می شود که آن حضرت عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد در جامعه می داند. منظور از انصاف یعنی هر امری در جای خود و متناسب با حق خود رعایت شود. به عبارت دیگر رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و

^۱ - منظور کتاب غرر الحکم و درر الکلم عبدالواحد آمدی تمیمی است.

تفریط به معنی رعایت انصاف در امور می باشد. نقطه مقابل عدل و عدالت، جور و ستم و ظلم در امور مختلف می باشد و بر هر فرد مسلمان واجب است که نه تنها به دیگران ظلم نکند بلکه در برابر ظالمان ایستادگی و با آنها مقابله نماید.

مزایای برقراری عدل و عدالت از دیدگاه امام علی (ع) در یک جامعه اسلامی

اسلام یکی از اصول و بنیان های قوام و استحکام هر جامعه را برقراری عدل و عدالت می داند و نقطه مقابل عدل را ظلم می پندارد که باعث اضمحلال و فرو پاشی حکومت ها در جوامع می شود. از نظر امام علی (ع) برقراری عدل و عدالت در جامعه یک تکلیف و وظیفه الهی است و اساس قوام و استمرار حکومت ها در رعایت عدالت توسط حاکمان آنها می باشد. در اینجا برخی از نظرات علی (ع) درباره مزایا و اهمیت برقراری عدل و عدالت ارائه می گردد، امام علی (ع) می فرماید:

- ۱- عدل، زیبایی و جمال حاکمان است (غرر الحکم، ص ۵۰).

- ۲- زیبایی سیاست، رعایت عدالت در حکومت است (غرر الحکم، ص ۱۶۵).

- ۳- هر که عدالت را به کار بندد، رتبه اش والا گردد و هر که ستم روا دارد، در هم شکسته شود (غرر الحکم، ص ۶۲۵).

- ۴- عدالت را به کار گیر و از بی انصافی و بی عدالتی بر حذر باش که بی انصافی کردن با مردم آنان را آواره می کند و بی عدالتی به قیام مسلحانه وا می دارد (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶، ص ۷۴۳).

همان طور که ملاحظه می شود، علی (ع) یکی از واجبات فردی و اجتماعی را رعایت عدل و عدالت توسط افراد در جامعه می داند و مقابله با بی عدالتی و ظلم در ج جامعه را یکی از مصادر نهی از منکر تلقی می نماید. بنابراین، برقراری عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن یکی از اصول مهم و با اهمیتی است که علی (ع) در حکومت اسلامی هم در تئوری و هم در عمل به آن توجه داشته است.

راهکارهای اجرای عدالت در یک حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

پس از بیان اهمیت و تعریف عدل و عدالت، مهمترین موضوع چگونگی اجرای عدالت در یک حکومت اسلامی می باشد. علی (ع) چند عامل را به عنوان ابزارهای اجرای عدالت به شرح ذیل مطرح می نماید:

۱- وجود حاکمان و حکمرانان عادل و سقّی

امام علی (ع) در ارتباط با وجود حاکمان و مسئولان عادل و با تقوا در جامعه و نظارت بر رفتار شخصی و اجتماعی آنان توجه زیادی مبذول داشته است. بدیهی است که در صورتی مسئولان هر جامعه افرادی عادل و عدالتخواه باشند و ابتداءً این موضوع را در زندگی شخصی خود و بستگان شان اعمال رهايند، اعتماد مردم به آنها جلب شده و به عنوان الگویی مفید مورد پیروی و احترام مردم در جامعه خواهند بود. حاکمان مسلمان باید عدالت را برای آحاد مردم در جامعه و بدون تبعیض بین اقشار مختلف اجرا نمایند. احقاق حق مظلوم از ظالم نیز از وظایف مهم یک حکمران اسلامی است که به شدت مورد تأکید امام علی (ع) بوده است. علی (ع) در نهج البلاغه هدف از قبول خلافت را احقاق حق مظلومان می داند. در این باره در روز دوم خلافت خود در سال ۳۵ هجری می فرماید:

[به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیایم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم. گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است. آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت تر است.] (نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ص ۵۹).

[به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر این که حقی با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم.] (نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ص ۸۵).

[به خدا قسم، داد ستم دیده را از ظالم ستمگر بستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آبشخور حق وارد سازم، گرچه تمایل نداشته باشد.] (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶، ص ۲۵۵).

[رعیت اصلاح نمی شود، جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی شوند جز با درستکاری رعیت.] (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، ص ۴۴۱).

[هرگز برای حمایت اشراف و بزرگان قریش، اموال بیت المال را به طور غیر عادلانه تقسیم نخواهم کرد و به آنها سهمی بیشتر نخواهم داد. حتی اگر این اموال از آن خودم بود، به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اموال بیت المال.] (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، ص ۲۳۹).

[عدالت را به کار گیر و از بی انصافی و بی عدالتی بر حذر باش، که بی انصافی با مردم آنان را آواره می‌کند و بی عدالتی به قیام مسلمانان و می‌دارد.] (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶، ص ۴۷۳).

همان طوریکه از سخنان امام علی (ع) ملاحظه می‌شود، وجود حاکمان عادل که هدف اصلی آن احقاق حق مردم استمدیده باشد، یکی از اصول برقراری عدالت در جامعه می‌باشد.

۲- نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان در جامعه

علی (ع) به عنوان امام و رهبر یک نظام سیاسی همواره بر اعمال و رفتار حاکمان منصوب خود نظارت داشت و نسبت به حیف و میل بیت المال و عدم برقراری عدالت در جامعه به شدت از خود عکس العمل نشان می‌داد و حکمرانان را مؤاخذه می‌کرد. بنابراین از نظر آن حضرت نظارت بر رفتار و عملکرد مسئولان حکومتی یکی از وظایف رهبران جامعه و از ابزارهای برقراری عدالت می‌باشد. در این باره در نهج البلاغه نامه‌های زیادی از جانب امام علی (ع) به حاکمان مرقوم شده است:

علی (ع) در نامه‌ای به زیاد ابن ابیه جانشین فرماندار بصره می‌نویسد:

[همانا من به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، چنان بر تو سخت گیرم که قادر به تامین معاش عیال خود نیز نباشی.] (نهج البلاغه، نامه ۲۰، ص ۴۹۹).

علی (ع) در نامه‌ای به محمد ابوبکر فرماندار مصر می‌نویسد:

[با مردم فروتن باش. نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم کاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.] (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ص ۵۰۹).

- امام علی (ع) به یکی از حکمرانان خود در سال ۴۰ هجری می‌نویسد:

[... به من خبر رسیده که کشت زمین ها را برداشته و آنچه را که می توانی گرفته و آنچه در اختیار

داشتی، به خیانت خورده ای ، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که

حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت تر است .[نهج البلاغه، نامه ۴۰، ص ۵۶۷].

امام علی (ع) در بخشی از نامه ای که به فرماندار بصره می نویسد، می فرماید:

[... به من خبر رسیده که اموال بیت المال را که سهم بیوه زنان و یتیمان بود به یغما بردی و ... از خدا

بترس. اموال آنان را بازگردان و اگر چنین نکنی خدا مرا فرصت دهد، تو را کیفر خواهم داد... . به خدا

سوگند اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو

خود نمی رسیدند تا آنگاه که حق را از آنها بستانم و باطلی که به ستم پدید آمده، نابود سازم .] (نهج

البلاغه، نامه ۴۱ ص ۵۴۷).

- امام علی (ع) در نامه ای به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار اردشیر خّره (فیروز آباد) از شهرهای

فارس ایران در سال ۳۸ هجری می نویسد:

[... به من گزارش رسیده که تو غنایم مربوط به مسلمانان را که به وسیلهٔ اسلحه و اسب هایشان به

دست آمده و خون هایشان در این راه ریخته شده، در بین افرادی از بادیه نشینان قبیله ات تقسیم

کرده ای. اگر این گزارش صحیح باشد، تو در نزد من خوار خواهی شد و ارزش و مقدرات کم خواهد بود.

آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من و پاپیش تو هستند در تقسیم این اموال مساوی است، باید همهٔ

آنها به نزد من آیند و سهمیهٔ خود را از من بگیرند.[نهج البلاغه، نامه ۴۳، ص ۵۵۱].

چنانکه در نامه های امام علی (ع) ملاحظه می شود، وجود حکمرانان عادل و با تقوا یکی از اصول

برپایی عدل و عدالت در جامعه می باشد و نظارت بر عملکرد آنان در ارتباط با لغزش های مادی و

دنیوی و در صورت لزوم برکناری آنها به علت خیانت به بیت المال از جمله وظایف رهبر و پیشوای

جامعه اسلامی می باشد.

۳ حقوق متقابل مردم و حاکمان (عدالتخواه) در جامعه

احقاق حق مظلومین در جامعه و حمایت مردم از مجریان برقراری عدل و عدالت یکی دیگر از شرایط برقراری عدالت در جامعه می باشد. بدیهی است که هرگاه جامعه از نظر فکری توان پذیرش حق و عدالت را نداشته باشد و رهبران عدالتخواه خود را در مقابل فاسقان پشتیبانی نکند، اجرای عدالت در جامعه با شکست مواجه می شود.

امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۹۲ نهج البلاغه (ص ۱۷۳) که پس از قتل عثمان و هجوم مردم برای بیعت با وی در سال ۳۵ هجری بیان نمود، عدم تمایل خود را برای پذیرش خلافت به شرح ذیل مطرح می نماید:

« مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید. زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می رویم که رنگارنگ و فتنه آمیز است و چهره های گوناگون دارد و دل ها بر این بیعت ثابت و عقل ها بر این پیمان استوار نمی ماند...».

امام علی (ع) در خطبه شقشقیه (خطبه ۳، ص ۴۷) به آشوب طلبی و مقابله ناکثین، قاسطین و مارقین در برابر حکومت عادلانه خود اشاره دارد.

در ارتباط با حقوق متقابل مردم و رهبران، امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۲۱۶ (ص ۴۴۳) نهج البلاغه می فرماید:

«... و در میان حقوق الهی بزرگ ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم به رهبر است. مردم اصلاح نمی شوند مگر به اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی شوند مگر به استقامت و پایداری مردم... و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازند، حق در آن جامعه بین آنها عزت یابد و راه های دین پایدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت (پیامبر) پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر مردم ستم کند، وحدت کلمه از بین می رود، نشانه های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می گردد.»

بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) رعایت حقوق متقابل مردم و دولت امری واجب است. دولت‌ها وظیفه دارند در قلمرو اختیارات خویش شرایط رشد و تعالی و زمینه تکامل و توازن اجتماعی و دستیابی عادلانه هر کس به حق و حقوقش را فراهم سازند. مردم نیز وظیفه دارند به تعهدات خود در برابر زمامداران وفا کنند، کارهای جامعه را انجام دهند مسئولیت پذیر باشند و برای استواری جامعه از دولت‌ها و رهبران عدالتخواه حمایت نمایند. افراد باید بدانند که رفتار فردی دارای بعد اجتماعی است. مجموعه تلاش‌های فردی حرکتی بزرگ و پیوسته پدید می‌آورد، سبب به سامان شدن جامعه و احقاق حق همگان خواهد شد].

۴ لزوم ساده زیستی حاکمان اسلامی

امام علی (ع) از اشرافیت و زندگی تجملی بیزار است و در جامعه اسلامی که افرادی فقیر دارد، ساده زیستی را از جمله وظایف حاکمان اسلامی می‌داند. در نهج البلاغه این موضوع به حاکمان و فرمانداران توصیه شده است:

- امام علی (ع) در نامه ۳ نهج البلاغه (ص ۴۸۱) شریح بن الحارث قاضی (قاضی کوفه) که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده بود، در ارتباط با سوء استفاده مالی هشدار می‌دهد.

در بخشی از نامه می‌فرماید:

[...به من خبر دادند که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای].

- امام علی (ع) در نامه ۴۵ نهج البلاغه (ص ۵۵۳) عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از اینکه به میهمانی اشراف و ثروتمندان بصره شرکت کرده و در آن غذاهای رنگارنگ و تجمّ لی وجود داشته، مورد سرزنش قرار می‌دهد و به وی توصیه می‌کند که غذاهایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌داند، دور بیفکند و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین دارد، مصرف نماید.

- امام علی (ع)، در نامه ۷۱ (نهج البلاغه ص ۶۱۳) به منذر بن جارود عبیدی، فرماندار استخر در ایالت فارس، وی را از زندگانی تجملی و هواپرستی منع می کند و مورد سرزنش قرار می دهد. بنابراین ساده زیستی حاکمان اسلامی و اطلاع از زندگی افراد کم درآمد و فقیر نیز یکی از خصوصیات رهبران و مسئولان عادل در جامعه می باشد و امام علی (ع) رعایت آن را واجب می داند و معتقد است که ساده زیستی حاکمان اسلامی زمینه را برای اجرای عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی فراهم می آورد.

جمع بندی و نتیجه گیری

موضوع برقراری عدل و عدالت در جامعه یکی از ارکان دین مقدس اسلام می باشد، به گونه ای عدل الهی یکی از اصول اعتقادی شیعیان و برخی از فرقه های اهل تسنن مانند معتزله می باشد. امام علی (ع) عدل و عدالت را یکی از پایه ها و بنیایین های قوام هر حکومت می داند. آن حضرت عدل را زیبایی و جمال حاکمان و معیار سیاست مطلوب را رعایت عدالت در جامعه می پندارد. امام علی (ع) عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده است و معتقد است که بنا بر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه مردم است. آن حضرت معتقد است که توزیع اموال بیت المال باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و هرگز حاضر نبود برای حمایت اشراف و بزرگان قریش و حتی برادرش عقیل (که وضعیت مالی خو بی برای تأمین مایحتاج عیال و فرزنداناش نداشت) سهمی بیشتر به آنها اختصاص دهد (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ص ۴۵۹ و خطبه ۱۲۶، ص ۲۳۹).

بنابراین دیدگاه های امام علی (ع) درباره عدل و عدالت و راهکارهای برقراری آن، اندیشه ای جاودانه و ابدی و الگویی منحصر به فرد برای هر حکومت اسلامی است و به مرور زمان نه تنها سست و کم اهمیت نگشته بلکه پس از گذشت قرن ها، مشتاقان و شیفتگان (مسلمان و غیر مسلمان) بسیاری پیدا کرده است. لذا در نظر گرفتن اصول عدل و عدالت از دیدگاه امام علی (ع) می تواند الگو و ضابطه مناسبی

برای برپایی هر حکومت اسلامی باشد و از مسئولین کشور اسلامی ما انتظار می رود که هر چه بیشتر در اقامه قسط و عدل علوی اقدام نمایند.

فهرست منابع و مأخذ

- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۷۷). **غرر الحکم و دررالکلم**. ترجمه انصاری. محمد علی جلد اول و دوم. تهران. انتشارات آرمان.
- امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمد رضا (۱۳۷۸). **نهج البلاغه**. جلد اول و دوم و سوم. چاپ یازدهم. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- پاشاپسندی، حسینعلی (۱۳۷۹). **امام علی (ع) و عدالت**. مجموعه مقالات نخستین جشنواره نهج البلاغه دانشگاهیان سراسر کشور. تهران. کمیته علمی نخستین جشنواره دانشگاهیان سراسر کشور.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**. چاپ هفتم. قم: نشر مشرق.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۱). **زمینه ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی**. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- کرمی، محمد مهدی، پورمند، محمد (۱۳۸۳). **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**. تهران: انتشارات سمت.
- صدری، افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۱). **فرهنگ معاصر فارسی** چاپ سوم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۳). **بحارالانوار**. جلد ۷۸. تهران. انتشارات کتابچی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). **سیری در نهج البلاغه**. چاپ نهم. تهران: انتشارات صدرا.
- مولانا، حمید (۱۳۸۰). **ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)**. کنگره بین المللی امام علی (ع). جلد اول تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.